

فردی صاف و ساده است و با لهجه شیرین آذری صحبت می‌کند) که از قضا مقید و عامل به انجام فرایض دینی است، مدام باعث خنده تماشاگران می‌شود. از سوی دیگر، در بسیاری از مواقع انگیزه و نیت کارا کترها به هنگام کنش‌گری، مبهم و نامکشوف است.

نظر عوامل

ابراهیم حاتمی کیا (تهیه‌کننده):
من در این فیلم تنها یک اسم هستم و کارها توسط اویس طوفانی و بهراد مهرجو تهیه شده است. نمی‌توانستم ادامه دهم زیرا جهان من با این کار متفاوت است و خوشحالم که یوسف جهان خودش را به تصویر کشید. به اعتقاد من فیلمسازان اول باید فیلمنامه خودشان را بنویسند، چون باید یاد بگیرند.

یوسف حاتمی کیا (کارگردان): یاد گرفتم که برای کارها باید بازگشت سرمایه داشته باشم. اما وقتی طرح اولیه «شب طلایی» را نوشتم، فکر کردم که باید آن را تبدیل به رمان کنم که اویس طوفانی و بهراد مهرجو پای کار آمدند و گفتند که ما هستند و بعد شروع به نگارش فیلمنامه کردم. با این حال خیلی فیلمنامه سختی بود.

نظر شخصی

اولین فیلم یوسف حاتمی کیا تلاش قابل تحسینی است: سوژه جذابی دارد و در ساخت نیز فیلم قابل قبولی است. مشکل اصلی صاحب قلم با «شب طلایی» باز هم انتخاب بد بازیگران و عمیق نبودن بسیاری از شخصیت‌های کلیدی است. فیلم داستان گم شدن دو شمش طلا در خانه‌ای قدیمی را روایت می‌کند. موضوعی که گر بیان همه اعضای خانواده را می‌گیرد. حسن معجونی می‌توانست آخرین انتخاب برای چنین نقشی باشد.

میمیک معجونی ابداعاً قابل باور نیست و من بیننده به خودم می‌گویم، خوب شمش‌ها پیدا نشدند هم نشد، چرا که نمی‌توانم با حضور معجونی شمایی ترسناک از عواقب پیدا نشدن شمش بسازم. یکی دیگر از مشکلات فیلم عدم توجه کافی به خرده‌داستان‌های فرعی شخصیت‌های پر تعدادش است. مثلث عشقی فیلم، پتانسیل بسیار بالایی برای پرداخت بیشتر را داشت.

همچنین خطاهای دستگاه طلاباب می‌توانست چالشی دیگر نیز به فیلم اضافه کند. فیلم نمی‌تواند جوانه شک را در دل بیننده بکارد. قرار نیست فکر کنیم شمش به سرقت رفته است. در ابتدا با بازی بسیار خوب یکتا ناصر کمی این جوانه شکل می‌گیرد اما به یکباره این شخصیت از کلیت داستان کنار می‌رود. «شب طلایی» در مجموع فیلم خیلی بدی نیست اما مشکلات اساسی و پائینی ناامیدکننده دارد.

چهره شاخص

یکتا ناصر برای اجرای بسیار خوبش.



ماجرای شمش‌های گم‌شده شب طلایی (یوسف حاتمی کیا)

مسعود فراستی (همشهری آنلاین):

اولین حُسن فیلم یوسف حاتمی کیا این است که مخاطب را تا آخر نگاه می‌دارد و این الف سینماست.

محمد حاجی (خبرگزاری تسنیم):

اولین فیلم بلند سینمایی یوسف حاتمی کیا در جایگاه کارگردان، درامی معمایی و چندلایه است که تلاش می‌کند به پیچیدگی روابط انسانی و چالش‌های فراروی آن در زندگی روزمره بپردازد. حاتمی کیا برای این منظور، تصمیم به کار بست موتیفی می‌گیرد که نمونه‌های مشابه آن بارها و بارها در درام‌ها و ملودرام‌های دهه ۹۰ سینمای ایران مشاهده کرده‌ایم. مؤلفه‌های اصلی این موتیف، شامل: دروغ، پنهان کاری، تنش، کشمکش و برملا شدن رازهای مگو است که به فراخور امتداد خط روایی قصه، به کار گرفته می‌شوند. ماجرای تلاش حاتمی کیا جوان از حیث به کارگیری چنین موتیفی در قصه «شب طلایی»، فضیلت و تمایز چندانی نسبت به فیلم‌های سینمایی پرشماری که پیش‌تر، از این موتیف برای روایت داستان خود بهره گرفته‌اند، ندارد؛ بنابراین خیلی زود مشخص می‌شود که کارگردان در مقام راوی، اسیر تکرار و کلیشه‌های روایی موجود در این موتیف شده است. حاتمی کیا جوان مسیر شخصیت‌پردازی کاراکترهای قصه‌اش را ناتمام می‌گذارد. اگرچه منطق به کارگیری برخی عناصر شناسا برای توصیف بعضی از شخصیت‌های فیلم نیز گنگ و نامعلوم است. برای مثال، مشخص نیست که چرا کنش‌گری شخصیت حاجی (داماد خانواده که

«شب طلایی» را یوسف حاتمی کیا نوشته و کارگردانی کرده است. پدر یوسف، ابراهیم حاتمی کیا شهر است که تهیه‌کننده فیلم نیز هست. یکتا ناصر، سوگل خلیق، مسعود کرامتی، حسن معجونی و مریم سعادت بخشی از تیم پر تعداد بازیگران فیلم هستند.

داستان فیلم در شبی می‌گذرد که همه اعضای خانواده در خانه مادر بزرگ دور هم جمع شده‌اند تا جشن تولدی برای مادر بزرگ بگیرند. همه چیز خوب پیش می‌رود تا این که داماد خانواده، که به دلیل سفر در این میهمانی حضور نداشته، سرزده می‌رسد و دنبال شمش‌های طلاش می‌گردد که چند وقت قبل به امانت در خانه مادر بزرگ گذاشته بود. پس از پیدا نشدن شمش‌ها، درگیری میان اعضای خانواده بالا می‌گیرد.

«شب طلایی» در چهلمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد اما تنها در رشته بهترین صابرداری نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد.

دیگران چه گفته‌اند؟

کمال پور کاوه (فیلم‌وشات):

روزهایی که شک و تردید بسیاری نسبت به فیلم‌هایی که توسط آفازاده‌ها تولید می‌شوند وجود دارد، در یک غافلگیری دلچسب، یوسف حاتمی کیا (فرزند ابراهیم حاتمی کیا) گوی سبقت را از پدر ربوده و ما حصل اولین فیلم بلندش فیلم «شب طلایی»، نسبت به بسیاری فیلم‌های اخیر پدرش، به نتیجه درخور اعتناتری رسیده است. فیلم بدون این که نشانی از شعارها و پُرگویی‌های فیلم‌های ابراهیم حاتمی کیا را داشته باشد، با تکیه بر یک درام مبتنی بر خرده‌پیرنگ، می‌کوشد داستانی خانوادگی را در یک موقعیت ویژه تعریف نماید و نکته مهم این است که موفق می‌شود تا به انتها هم تماشاگر را با خود همراه سازد.

فیلم بدون هیچ گرافه‌گویی در همان ۱۰ دقیقه ابتدایی تکلیفش را با تماشاگرش روشن کرده و با شکل‌دهی به بحران اصلی درام مرکزی فیلمش، آرام آرام ما را با شخصیت‌های درگیر در بحران آشنا می‌سازد. ایده جذاب به تأخیر انداختن اطلاعات که تعلیق و کشش لازم برای پیگیری تماشاگر تا انتهای فیلم را فراهم آورده از مهم‌ترین ویژگی‌های «شب طلایی» است. اما نکته این است که فیلم در همین سطح باقی مانده و با تکرار مداوم ایده اولیه، از این که درام را به سطحی بالاتر ارتقا داده و لایه‌های درونی بیشتری از کاراکترها را برملا سازد اجتناب می‌کند. گفت‌وگوی پر هیجان و غافلگیرکننده مادری که با شک و تردید درباره جستجوی پسرش در کمد او سؤال می‌کند، در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با روشن شدن مسئله، تعلیق به وجود آمده را نابود می‌سازد. ایده ورود بازرسی به خانه در کنار پایان بندی انتهایی فیلم که دست به نوعی نتیجه‌گیری فرامتنی از درام می‌زند، فیلم را از مسیر اصلی و تأثیر گذارش خارج کرده است.